

## نقدی بر مصاحبه با کوچه

امیر فیض - حقوقدان

هما نظر که استحضار دارید اعلیحضرت در همین چند روز گذشته گفتگویی داشته اند با رادیو کوچه، که برای اولین بار است که نام این رادیو را می شنوم به اتفاق به تجزیه و تحلیل چند سوال و جواب که تازگی دارد میرویم.

### در مورد جنبش سبز

اعلیحضرت در مورد جنبش سبز نظریه ای را ابراز فرمودند که با عقایدشان در گذشته نسبت به جنبش سبز کاملا متفاوت است که فشرده آن چنین است:

«.. جنبش اصلاحات (جنبش سبز) دیگر راه کار نیست جنبش سکولار که دارد رویش کار میشود آلترناتیو موجود است آیا نیروهای اصلاح طلب و یا بخشی از آنها که به این معنا رسیده اند که دیگر اصلاحات بی مفهوم است میتوانند وصل شوند به نیروهای سکولار فکر میکنم که زمینه کار بیشتر دارد فراهم میشود..»

مراد اعلیحضرت از جنبش سکولار و ابراز امید واری به اینکه زمینه کار بیشتر فراهم میشود دکان تازه ای است که نوری علا تحت نام شبکه سکولارهای سبز ایران تدارک دیده و قرار است در تورتو از آن با حضور اعلیحضرت پرده برداری گردد؛ این نکته نیز توجه کردنی است که در تصویر مصاحبه دستبند سبز مورد استفاده اعلیحضرت هم مشهود نبود و میتوان این برداشت را هم کرد که عبارت معروف ایشان به اینکه «هر که میخواهد جنبش سبز را رد کند اول باید مراد کند» دیگر منتفی شده تلقی میگردد.

دید گاهی که بتازگی اعلیحضرت از جنبش سبز (جنبش اصلاحات) در این مصاحبه ارائه فرموده اند بارها و بارها از سوی مبارزین معتقد در خارج از کشور مطرح و انتشار یافت و عنایتی به آنها نشد و اصرار در حفظ موضع عقیدتی خودشان در رابطه با جنبش سبز و حمایت از موسوی ادامه داشت اکنون نیز توجه شان را به دکان شبکه سکولار و امید واهی که به آن بسته اند جلب مینمایم چرا که در همین مصاحبه اظهار نظر فرموده اند که «مگر چند بار میتوان اشتباه کرد»

### شاهزاده و طرفدارانش

سوال دیگر رادیو کوچه توام بانادانی و پاسخ اعلیحضرت بسیار قابل تامل است.

سوال این است: اکنون ما در وی کرد از شمامی بینیم یک رویکرد کاملا دمکراتیک و سکولار ولی خود شمامیدانید که تعداد زیادی هستند که سلطنت طلب نامیده میشوند که جناب عالی را بعنوان شاهزاده رضایه لوی می شناسند و معتقدند که نظام سلطنتی باید در ایران اعمال شود بنظر میرسد که تفاوتی بین ن دو وجود دارد آیا شما تاکنون پاسخی برای اینگونه طرفداران خود داشته اید.

قبل از اینکه به پاسخ اعلیحضرت برسیم بهتر است موارد نادانی و بی خبری سوال کننده مطرح شود.

نخست اینکه شاهزاده عنوان حقوقی نیست بلکه علامت رابطه سببی است مانند «تاجر زاده» یعنی شخصی که از این علامت استفاده اسمی میکند پدرش تاجر بوده است آیا پدر رضایه لوی شاه نبوده است و اگر کسی او را شاهزاده خطاب کند دلیل آن است که خطاب کننده سلطنت طلب است در جای قانون اساسی عنوان شاهزاده به شاه تخصیص یافته است؟ شاهزاده نه تنها هیچ رابطه و الفت حقوقی با سلطنت ندارد بلکه در فرهنگ ما یک عنوان توهین آمیز هم هست و این عنوان بوسیله مصوبه قانونی منسوخ گردیده است. عنوانی که قانونا و بر مبنای قانون اساسی و سنت مشروطیت میتواند از طرف سلطنت طلبان بکار گرفته شود اعلیحضرت است تمام مخالفین سلطنت و باصطلاح جمهوریخواهان حتی خارجیان

در خطاب، واژه شاهزاده را بکار میبرند آیا میتوان به آنها گفت که شما به اعتبار استفاده از واژه شاهزاده سلطنت طلب هستید؟ این ناپختگی و خامی را تاکنون از کسی جز نوری علا نشنیده ام .

بی خبری سوال کننده آنجاست که سوال میکند >..... آیا شما تاکنون پاسخی برای اینگونه طرفداران خود داشته اید <

سوال رادیو کوچه ده ها بار و بیشتر توسط حسین مهری و میبدی با علیحضرت مطرح شده است و هر بار هم علیحضرت پاسخی سنگین تر و قاطع تر بر طرفداران سلطنت طلبان داده اند و این نهایت بی خبری یک گوینده و متصدی رادیوست اگر نداند که سوال او سابقه ای مفصل و تکراری دارد مگر خواسته باشد که هم پایه میبدی نیشی به سلطنت طلبان زده باشد.

### اما پاسخ علیحضرت

اولا من کسی را طرفدار خودم میشناسم که با عقاید و اهداف و نظرات من اعتقاد داشته باشد و حمایت کند ولی اگر مقصودتان عده ای هستند که برخورد های غیردموکراتیک دارند و ادعا دارند که طرفدار این نوع نظام هستند آن بحث دیگری است اما قطعاً نظر مرا تأمین نمیکنند و نمیتوانم نام آن عده را طرفداران خود بگذارم

\*\*\*\*\*

اظهار نظر علیحضرت نسبت به طرفدار و تشریح آن شباهت تامه با تفسیری دارد که نسبت به موقعیت سیدعلی خامنه ای و ولایت فقیه موجود است تفسیر مزبور چنین است:

حرفداران حکومت، تخطی از خواست و اراده و نظر رهبران انحراف از آرمان های انقلاب و اسلام میدانند و از دیدگاه بسیاری از آنها تنها راه وحدت و جلوگیری از حاکمیت دوگانه، تبعیت محض از اراده رهبر جمهوری اسلامی است < (وزیر خیم دار مفسر حقوقی بی- بی - سی )

نظریه علیحضرت نسبت به طرفدار و انتظاری که در تبعیت از نظراتشان دارند یکی از اصول مذهب تشیع در رابطه با مرید و مرجع است که مرید باید از نظرات مرجع تبعیت کند و حق مخالفت و پرسش و خواستن دلیل ندارد و اگر بر این قاعده مطیع نباشد از گروه مریدان مرجع خارج است دقیقاً قابل تطبیق با اظهار نظر علیحضرت که افرادی که بانظرات ایشان موافق نیستند از طرفداران ایشان محسوب نمیشوند.

البته نظریه و انتظار علیحضرت بیسابقه نیست و در گذشته های دور بین ایلات و طوائف جاری بوده است نوشته شده در رئیس اهالی فجی در جلوی یک عده از پیروانش از راهی ناهموار عبور میکرد غفلتاً پای رئیس آنها لغزید و بر زمین خورد تمام پیروان او که پشت سر او بودند خودشان را بر زمین انداختند و مثل او عمل کردند بجز یک نفر که چنان نکرد ولی دیگران به او اعتراض کردند که مگر تو از رئیس بیشتر و بهتر میدانی؟ <

ای دوصد لعنت بر این تقلید باد

خلق را تقلیدشان برباد داد

بنده حیرانم که چگونه این برداشتهای ناموزون و غیردموکراتیک بعنوان یک اصل قابل دفاع برای علیحضرت متصور میشود که به بیان آن در رسانه های عمومی علاقمند میشوند.

مادر گذشته سخنانی این چنینی از علیحضرت مان داشتیم:

«پیشنهاد من این است که اقدامات واقعی و رفتار اپوزیسیون را زیر نظر بگیرید و بررسی کنید باطمینان به احساس خودتان موضوعات و افراد را تحت بررسی قرار دهید گفتار هیچکس را کورکورانه نپذیرید حتی مرا. آن زمان است که شما خواهید دریافت که به چه کسی میتوانید اعتماد کنید» (پرسش - پاسخ نوامبر ۲۰۱۰)

«خوشحال میشوم که مرامتقاعد کنید» (مصاحبه با رادیو صدای ایران با میرمطهری )

«هیچ چیزی را بناباد چشم بسته قبول کنیم و هیچ چیزی را نبایستی به حال خود ول کنیم (مصاحبه با فرهودی)

سوال اینجاست که طرفداران اعلیحضرت باید در نقش یک مرید و مقلد و انسان بی اراده در مبارزه حضور داشته باشند و یا یک انسان معتقد به اصول و منتقد حساس و وظیفه مند؟

اشکال عمده نظریه اصرار آمیز اعلیحضرت که متاسفانه باضمانت اجرا و عکس العمل غیردموکراتیکی همراه است در این است که درکمال تاسف اعلیحضرت ما، در یک نقطه ثابت اعتقادی و سیاسی قرار ندارند و بیاناتشان متغیرواهداف و نظراتشان متضاد و در هم است و این قاعده که معمول ایشان است مانع تحقق طرفدار سیاسی است.

طرفداری یعنی جانبداری از کسی، مهمترین عامل در طرفداری علت است علت طرفداری ممکن است رابطه سببیت باشد و یا ثروت باشد و یا زورمندی و یا زیبایی و بیان و فضیلت و بالاخره بعلت عقیده سیاسی باشد عقیده سیاسی اگر متلون بود عقیده سیاسی نیست و عقیده سیاسی هم که اعلیحضرت آنرا در کنار وریدیف نظر آورده اند وقتی عقیده سیاسی محسوب میشود که از قانون و سنت (حکمت) نشأت یافته باشد و آنچه که اعلیحضرت بعنوان عقیده سیاسی ارائه میفرمایند نظراست که در مقابل سنت و قانون اساسی و سوگندی که ایشان به وفاداری آن یاد فرموده اند کاملا بی اعتبار است.

براستی اگر خواسته شود که نظر اعلیحضرت در مورد طرفدارانشان از قوه به فعل درآید و رعایت گردد آنقدر تحولات فکری و نظری و انتخاب راه کارها متغیر و در هم و در تضاد مقابل طرفداران قرار میگیرد که طرفداران اگر دیوانه نشوند بطور حتم گنج میشوند و طرفدار گنج و دیوانه هم که طرفدار نیست.

اعلیحضرت در سالهای نخست تبعیت و احترام به قانون اساسی مشروطیت رامینای اعتقاد سیاسی خودشان میدانستند یعنی زیرچتر حکمت و مشروعیت قرار داشتند بالطبع کسانی نیز که به حقانیت تداوم مشروعیت قانون اساسی اعتقاد داشتند طرفدار طبیعی ایشان شناخته میشدند زیرا وجه مشترک آنها اعتقاد سیاسی مشترک و هماهنگ بود اکنون اصولی نیست که از طرفداران حقانیت قانون اساسی انتظار داشت که آنها جایگاه اعتقادی خودشان را هر روز تغییر بدهند این چنین آدمهائی طرفدار محسوب نمیشوند اشغال هستند که با هر بادی جابجا میشوند.

### طرفداری بنیادی

یک نوع طرفداری هم در جوامع انسانی وجود دارد که جنبه نهادی و بنیادی دارد و در مسیر طبیعی حرکت میکند و مردم به عادت طبیعی جذب آن میگردند در این حالت طرفداری دگم است، ذاتی است، پیوسته با طبیعت انسان است مانند وفاداری به شاه، وفاداری به پدر و مادر و وفاداری به باورهای فرهنگی.

وفاداری ایرانیان به اعلیحضرت وفاداری از نوع وفاداری بنیادی است نه اعتقاد سیاسی و یا نظراتی که هر صباح میاید و غروب نشده میرود متاسفانه اعلیحضرت جایگاه خودشان در این طیف و اثرات آنرا کم بها میدانند.

### دخالت خارجی

در این پرسش، پاسخ اعلیحضرت بشارت اوراست باتفاق از آن بشارت بهره مند میشویم

نخست اینکه پرسش کننده میگوید «عده ای عقیده دارند که انقلاب سال ۵۷ ناشی از تصمیمات خارج از کشور و خارج از اراده مردم بوده است امروز هم بسیاری این پرسش را مطرح میکنند که تصمیم گیری های در خارج است که میتواند سبب تغییرات در ایران شود.

همانطور که استحضار دارید مداخله و تدارک کشورهای خارجی در شکل گیری و نتیجه رسیدن شورش ۵۷ رایک توهم و توطئه میدانستند و با تمام اسناد و مدارکی که در رابطه با این برداشت نادرست ایشان ارائه میگردید راه تقاعد برایشان گشوده نمیشد ولی اکنون برای اولین بار است که در پاسخ به پرسش بالا فرموده اند «در اینکه خارجیان دخالتی در ۳۲ سال پیش در ایران داشتند هیچ بحثی نداریم»

بیتی نیمه درست یادم هست که میگوید (که گوید نرود میخ آهنین درسنگ- برود درسنگ بقوه مته) درتطبيق مورد، تاثیرکلام درتکرارواستدلال وپیگیری است.

این بشارتی است که بعد از ۳۲ سال ارزانی مبارزه وعدم مشروعیت شورش ۵۷ ودرنهایت جمهوری اسلامی ازسوی اعلیحضرت شده است و جادارد این تصدیق حقیقت، به تشکر مزین گردد.

### تصمیم گیری خارجیان و تغییرات در ایران

درگذشته مابامشکل بزرگی درنظرات وبیانات اعلیحضرت مواجه بودیم که >مبارزه ایرانیان رامنوط به حمایت خارجیان میدانستند< واین سخن دلخراش رادرغالب ازمصاحبه های این سالها داشته ایم وحتی درکتاب انتخاب زمان هم اظهار عقیده کرده اند که >اگر مردم مطمئن نباشند که جهان آزاد درعمل وبدون ابهام ازآنان درمبارزاتشان برای رسیدن به آزادی ودمکراسی پشتیبانی خواهند کرد دست به قیام نخواهند زد< (کتاب انتخاب زمان)

درمصاحبه با آقای بیژن فرهودی بیانات مفصلی درلزوم حمایت وپشتیبانی خارجیان از مبارزه ایرانیان ایراد و نتیجه گیری میفرمایند که >جنبش بدون پشتیبانی و دخالت جامعه بین المللی موفق نخواهد شد<

هرقدر هم که ایرانیان وقدری هم این سرباز بارانه دلیل وبرهان نظریه اعلیحضرت رادانر به لزوم ووابستگی مبارزه ایرانیان به خواست بیگانگان ناوارد وصغیر معرفی کردند طبع مقاوم ایشان درمقام حرف خوشان پذیرای آن حقایق نگردید.

خوشبختانه دراین مصاحبه (باکوچه) بیاناتی دررابطه باسوالی که مطرح شده بود فرمودند که آنهم بشارت غیرقابل انتظار بود باتفاق به بیانات ایشان بااحترام توجه میکنیم.

>منکر این نیستیم که سیاست جهانی تاثیر گذار هست درشرانطی که درکشورمان اتفاق می افتد آیا این بدان مفهوم است که ملت ایران تاابد بعنوان یک تماشاچی درانتظارمعجزه باشد که اگر فلان قدرت خارجی فلان تصمیم راگرفت، یالینکه ماباید بااین تفکر جلو برویم که علیرغم اینکه میدانیم درجهان منافع کشورها ودولتها درکارهست درکجا میتوانیم به حد اکثر خواسته هایمان برسیم..... اما اگر ابتدا بساکن دست روی دست بگذاریم بلکه جهانیان برای ماتصمیم بگیرند برای چه این حرفهارامیزنیم برویم همه پی کارمان.....<

درهمین قسمت اشاره ای دارند که نمیتوان بدون تامل ونگرانی ازآن گذشت میفرمایند «من دلیلی نمی بینم که تغییراتی راکه ایرانیان امروز میطلبند درجهت خلاف منافع کشورهای صنعتی باشد واگر بنفعشان خیلی نباشد به ضررشان نخواهد بود واینکه آیدرآینده دخالتی خواهند داشت ویانخواهند داشت ویا حمایت خواهند کرد سولاتی است که درعمل با آن مواجه خواهیم شد»

مطامع کشورهای صنعتی وسیر تاریخی آن درکشورهای جهان سوم سیری روشن وخونبارودستاوردی توام باچپاول ومداخله علنی وآشکار درحق حاکمیت ملتهاست واین مسئله ازمسائل آشکاروگرفتاری جهانیان خاصه کشورهای دارای منابع اولیه است ودیگر نمیتوان آنرا نادیده گرفت وبه فال وشاید وامثال آنها متوسل شد ومنظرماند که آیا آنها درکشورها دخالت خواهند کرد یاخیر ویقول معروف > تا تریاق از عراق آورده شود مارگزیده مرده باشد<

اگر مبارزه ای به حمایت خارجی متصل باشد وکمک وحمايت سبب پیروزی شود فصل مداخله درامورکشور بوسیله کشورحمایت وکمک کننده حتمی است وچنان حتمی است که جلوتراز پیروزی جای خودریافته است ودراین واقعیت تردیدی نیست که صبرکنیم به بینیم درعمل چه خواهد شد.

عقیده راسخ دارم که تمامی کسانی که مترصد حمایت وکمک خارجی برای براندازی جمهوری اسلامی هستند به ارتباط مسلم حمایت ودخالت کشور حمایت کننده درامورکشور آگاهند وقبح قانونی ونفرت عمومی راهم نسبت به آن میدانند ولی اهمیت نمیدهند.